حسین سلیمی، رئیس دانشگاه علامه‌طباطبایی در گفت‌وگو با «شهروند»:

درِ ذهن دانشجو را نمی‌توان بست

- سال آینده در دانشگاه علامه خانه آزاداندیشی ایجاد می‌شود
- ۲۹ نفر از ۳۳ استاد اخراجی علامه به دانشگاه برگشتند
- محافظه‌کار نشده‌ام
- مشکل ۸۵ دانشجوی ستاره دار را حل کردیم و تنها دو سه نفر ماندند که همه می‌دانند مشکل‌شان جای دیگری است
- بخشی از فضای امنیتی دانشگاه‌ها در حوزه اختیارات ریاست دانشگاه است که کاملاً از بین رفته است
- برای آزادی دانشجویان بازداشتی علامه در ناآرامی های اخیر، شخصا با نهادهای امنیتی مذاکره کردم

النازمحمدی، محمدباقرزاده| «حسین سلیمی» را دانشگاهی‌ها از همان زمان که قائم‌مقام مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات بود و بعد در دولت اول اصلاحات، رئیس مرکز هنرهای نمایشی ارشاد شد، یک عنصر دانشگاهی فعال و البته اصلاح‌طلب می‌دانستند؛ استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه علامه که مقالاتش در نشریات اصلاح‌طلب معروف بود، به‌خصوص آن‌جا که از اتفاقات روز می‌نوشت و شرایط سیاسی آن زمان. بعدها که او معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علامه‌طباطبایی شد، خیلی‌ها او را به‌عنوان یکی از مسئولان و البته استادان موثر این دانشگاه دانستند و همین هم شد که وقتی «صدرالدین شریعتی»، بعد از هشت‌سال و در نارضایتی تعداد زیادی از دانشجویان از دانشگاه علامه رفت، نام سلیمی به‌عنوان یکی از جدی‌ترین گزینه‌های ریاست دانشگاه علامه شناخته و با حکم سرپرستی این دانشگاه، کار تمام شد.

حسین سلیمی از سال ۹۲ تا الان رئیس دانشگاه علامه‌طباطبایی، جدی‌ترین قطب علوم انسانی ایران است و در گفت‌وگوی مفصلش با «شهروند»، تمام‌قد از عملکردش در این دانشگاه دفاع می‌کند. بعد از آن‌که حسن روحانی، رئیس‌جمهوری در دولت جدیدش از سلیمی هم برای وزارت علوم برنامه خواست، فضایی که تابه‌حال درمورد عملکرد او وجود داشت در بین دانشجویان عوض شد؛ تعدادی از آنها در شبکه‌های اجتماعی به عملکردش نقد داشتند و البته او را متهم به محافظه‌کاری و بازگشت بعضی محدودیت‌ها به «علامه» کردند؛ موضوعاتی که سلیمی به‌طور قطع آنها را قبول ندارد.

• آقای دکتر شما اخیرا دوباره صحبت از کرسی‌های آزاداندیشی کرده‌اید؛ موضوعی که پیش از این هم بارها درباره‌اش نکاتی را مطرح کرده بودید. کلمه و ترکیب کرسی‌های آزاداندیشی سال‌هاست که تکرار می‌شود؛ نه فقط در علامه که در دیگر دانشگاه‌ها هم این بحث هست. دقیقا منظور از کرسی‌های آزاداندیشی از نظر شما چیست. این‌که ما می‌گوییم در دانشگاه‌ها کرسی‌های آزاداندیشی ایجاد می‌کنیم به معنی این است که از فردا یک سکویی گذاشته و دانشجوها پشت آن می‌ایستند و هرچه دل‌شان خواست می‌توانند بگویند؟ محورها و جزییات آن چیست؟ دقیقا سیاست پشت آن چیست و فکر می‌کنید چقدر دانشجوها را جذب کند؟ الان دیگر فضای دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نیست که دانشجوها به صورت گعده باشند و مردم دور هم صحبت کنند، الان فضای شبکه‌های اجتماعی است. پس دقیقا منظور از کرسی‌های آزاداندیشی چیست؟

فضای آزاداندیشی یک نیاز دانشگاه و درعین‌حال یک مطالبه رهبری است، یعنی فضایی داشته باشیم که در آن مسائل اصلی و دغدغه‌های گوناگون دانشجویان مطرح شود. پرسشگری اقتضای فضای دانشگاه است و دانشجویان هم پرسش‌های اساسی راجع به همه مباحث دارند، از مسائل اعتقادی گرفته تا مسائل سیاسی روز، از بنیادهای جامعه سیاسی ایران تا مسائل فرهنگی. آنها پرسش‌های جدی دارند که این پرسش‌ها باید در یک فضای آزاد با حضور صاحب‌نظران به بحث گذاشته شود. جای این پرسشگری در دانشگاه است و دانشجویان باید بتوانند فارغ از یک سری محدودیت‌های عام که در جامعه ما وجود دارد، مسائل خود را مطرح کنند و درباره مسائل مختلف به بحث بنشینند وگرنه رشد فکری و عقلانی به وجود نمی‌آید. عقلانیت در فضایی که نتوان در آن پرسش مطرح کرد، بی‌معنی است. چه در تاریخ تفکر اسلامی در دوران شکوفایی و چه در تاریخ تفکر مدرن، وقتی نگاه می‌کنیم زمانی مبانی اندیشه‌های جدید شکل گرفته که اجازه پرسشگری و پرسش راجع به همه چیز به وجود آمده و فضای آزادتری برای بروز عقلانیت و اندیشه وجود داشته است. حالا هم مقام معظم رهبری دغدغه این موضوع را دارد؛ ایشان شاید جزو روحانیانی باشد که بیشتر از بقیه تجربه حضور در دانشگاه و گفت‌وگوی مستقیم با دانشجویان را داشته‌اند. من در دوره‌ای که دانشجوی دانشگاه تهران بودم، یادم هست هر هفته ایشان مقید بودند، حتی در دوران موشک‌باران به دانشگاه می‌آمدند و مستقیم و روبه‌رو با دانشجویان سخن می‌گفتند. بنابراین ایشان این فضا را درک کرده‌اند و حتی بارها گفته‌اند که اگر مسئولان این فضای آزاد را در دانشگاه ایجاد نکنند در روز قیامت پاسخگو خواهند بود، چون اجازه رشد عقلانیت را به نوعی از دانشجو گرفته‌اند.

• در همه این سال‌ها که ایشان از این موضوع سخن گفته‌اند، فکر می‌کنید این وضع اتفاق افتاد؟

خیر.

• چرا نیفتاد؟ به هرحال شخص اول مملکت سال‌هاست که می‌گویند باید این اتفاق بیفتد.

بله و اصرار می‌کنند و می‌گویند که شما در روز قیامت پاسخگو باید باشید؛ یعنی یک مطالبه صرفا سیاسی نبوده و مطالبه‌ای مذهبی هم هست.

• چه مانعی وجود داشته که این اتفاق نیفتاده است؟

این فضا باید وجود داشته باشد وگرنه دانشجوها می‌آیند دانشگاه و یک سری جزوه حفظ می‌کنند و روی برگه می‌ریزند و مدرکی می‌گیرند؛ بی‌آن‌که عقلانیت آنها رشد کند و هنر حل مسأله را پیدا کنند. در حوزه‌های دیگری نیز مطالبات رهبری ممکن است تحقق نیابد. همان‌طور که رهبری مثلا در حوزه اقتصاد تاکید می‌کنند که باید به سمت خصوصی‌سازی پیش برویم، اما عملا اقتصاد به سمت دیگر می‌رود، یعنی شرکت‌های شبه‌دولتی ایجاد می‌کنیم و همه چیز را به آنها می‌دهیم که نه مزایای اقتصاد دولتی را دارد، نه فواید اقتصاد خصوصی را. شبیه به همین نیز مطالبات رهبری است که در جامعه دانشگاهی اتفاق نیفتاده است. می‌توانم بگویم این موضوع مهمترین مطالبه رهبری درباره دانشگاه‌هاست، چون خودشان هر ساله دانشجویان و استادان را دعوت می‌کنند و می‌گویند آزاد هرچه می‌خواهید بگویید و از مسئولان هم می‌خواهند که شما هم این کار را بکنید، ولی مطالبه‌شان درباره کرسی‌های آزاداندیشی درحد مناسبی اتفاق نیفتاده است. چند دلیل دارد: یکی احساس ناامنی نزد دانشجویان و استادانی است که می‌خواهند این کار را بکنند. آنها فکر می‌کنند اگر حرف بزنند برای‌شان حاشیه سیاسی درست می‌شود.

• خب به وجود می‌آید.

ممکن است در جایی به وجود آمده باشد. بله، هر کاری شروع کردنش سخت بوده و ممکن است در ابتدا با حواشی روبه‌رو باشد.

• بله می‌خواهم بگویم چندان ربطی به شروع کردنش هم ندارد؛ در همه این سال‌ها ما صریحا شاهد این بودیم که حاشیه سیاسی عملا برای دانشجویان و اساتید به وجود آمده که این فضا و حس ایجاد شده است.

بله.

• یعنی به دلیل برخورد حراستی و امنیتی با دانشجویان و اساتید بوده که هروقت بحث کرسی‌های آزاداندیشی به وجود آمده، گوشه لب خیلی از آنها لبخندی هم آمده است.

من خودم یکی از کسانی بودم که در دولت قبل برای کرسی آزاداندیشی از من دعوت شد.

• در کدام دانشگاه؟

همین دانشگاه علامه. من در کنار یکی از استادانی که مخالف بنده بود و بعدا معاون من در دانشگاه شد، کنار هم نشستیم و راجع به اسلامی کردن علوم انسانی بحث کردیم. دانشجویان هم خیلی فعال بودند و سالن کامل پر شد و جلسه بسیار بانشاط و پرباری بود. می‌توانم بگویم یک جمله فراتر از خط قرمزها در آن جلسه گفته نشد، ولی بعد برای من مسأله پیدا شد.

• چه مسأله‌ای؟

حالا چه مسأله‌ای را کاری نداریم.

• به سمت همان بازنشستگی اجباری یا اخراج؟

نه خوشبختانه من تا آن مراحل نرفتم، ولی محدودیت‌هایی بعد از آن برای من اجرا شد. می‌خواهم بگویم که این محدودیت‌ها کاسته شده، ولی هنوز تا اندازه‌ای در دانشگاه وجود دارد. یا اگر در فضایی یک نفر نسبت به برخی از اصول قانون اساسی ایران مشکل داشته باشد، او سوال دارد، نه این‌که بخواهد نفی کند، پرسش دارد یا راجع به بعضی پرسش‌های اعتقادی. بله، برخی ممکن است احتیاط کنند در این فضا اظهارنظر کنند و ترجیح می‌دهند با توجه به پیش‌بینی که نسبت به هزینه‌های احتمالی دارند، این موضوع را مطرح نکنند. من فکر می‌کنم محدودیت‌هایی وجود دارد؛ برای من رئیس دانشگاه هم وجود دارد، برای دانشجو هم وجود دارد، ولی فضا این‌قدر بسته نیست که اصلا نشود در آن آزاداندیشی کرد. یک مشکل هم که ما داریم این است که فضای آزاداندیشی را در یک موقعیت همه یا هیچ قرار می‌دهیم؛ مثلا می‌گوییم یا آزاداندیشی نیست یا من بتوانم اصول و بنیادهای اعتقادی را در یک جلسه مورد نفی و انکار قرار دهم. این منطقی صفر و یکی است، اما در واقع طیف میانه گسترده‌ای وجود دارد؛ بسیاری مسائل دیگر هم وجود دارد که می‌شود در یک جلسه و کرسی آزاداندیشی خیلی راحت و بدون هیچ محدودیتی راجع به آن حرف زد و بحث کرد و هیچ اتفاقی نیفتد که ما هم این را تجربه کردیم. تعداد زیادی مسأله وجود دارد و لازم نیست بیاییم حتما و فقط روی مرز خطوط قرمز بحث کنیم. شاید بهتر باشد فرهنگ گفت‌وگو و آزاداندیشی را با بحث از مسائلی جا بیندازیم که تقابل و مخالفت شدید کمتری به همراه داشته باشد.

• مثلا امروز یک کرسی آزاداندیشی است و ما از دانشجویان علوم اجتماعی دعوت کردیم در آن شرکت کنند. نمی‌توانیم اول آن به دانشجویان بگوییم که فراتر از حد و مرز نروید و حد خودتان را بدانید. خب دیگر این اسمش آزاداندیشی نیست.

نه، نه من اصلا منظورم این نیست.

• سوال این است که حد آزاداندیشی کجاست و آیا می‌تواند برای آزاداندیشی حد مشخص کرد؟ شما اشاره کردید که در مورد اصول قانون اساسی کسی پرسشگری داشته باشد، ولی نفی این اصول نباشد. سوال این‌جاست که آیا نفی اصول قانون اساسی هم می‌تواند در کرسی‌های آزاداندیشی مطرح شود.

وقتی یک کرسی برگزار می‌شود، دیگر باید آزاد باشد، بحثم درباره موضوعاتی است که انتخاب می‌شود. در جامعه ما هزاران موضوع وجود دارد که می‌شود بدون هیچ قیدوبندی درباره آن حرف زد و منع و خط قرمزی هم ندارد؛ در حوزه اقتصاد، سیاست، مسائل دانشگاه و... . ما که می‌خواهیم به سمت کرسی‌های آزاداندیشی برویم می‌توانیم آغاز کار را از این موضوعات شروع کنیم.

• یعنی موضوعات کمی نرم‌تر.

بله، از فضایی شروع کنیم که کمتر تنش‌زا باشد، حتی در روابط فردی، دو نفر که می‌خواهند وارد یک گفت‌وگو شوند یک‌مرتبه حرف آخر را نمی‌زنند و ابتدا از مسائل آشناتر سخن می‌گویند. ما تجربه کردیم و در دانشگاه علامه راجع به برخی از مهمترین و حساسترین مسائل حرف زده و مباحثه شده است.

• به همین دلیل معتقدید که دانشگاه علامه، رتبه نخست را در کرسی‌های آزاداندیشی دارد.

موضوع اعتقاد نیست، آمار این را نشان می‌دهد، دانشگاه علامه در این دو سه ساله در بحث برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی که اصلا وضع آن مطلوب و رضایتمندانه نیست، رتبه نخست را داشته است. مثلا کرسی درباره مسائل هسته‌ای برگزار شد و عده‌ای کاملا دفاع کردند و گروهی به‌طور کامل زیرسوال بردند، بدون هیچ مسأله‌ای و خیلی خوب هم برگزار شد یا کرسی درباره سیاست‌های فرهنگی و سینمایی دولت برگزار شد که گروهی کاملا زیرسوال بردند و گروهی کاملا دفاع کردند و هیچ مشکلی برای کسی ایجاد نشد یا درباره مدیریت بنده هم کرسی برگزار شد با شدیدترین لحن، بدون آن که اتفاقی برای کسی بیفتد. در حوزه اقتصاد هم ما کرسی آزاداندیشی داشته‌ایم که عده‌ای سیاست‌های دولت آقای روحانی را کاملا زیرسوال برده‌اند و گروهی به دفاع از آن پرداختند و باز هم اتفاقی برای آنها نیفتاده است.

• اتفاقی برای کسی نیفتاد و کسی به دلیل بحث در کرسی آزاداندیشی به کمیته انضباطی احضار نشد؟

واقعا نیفتاده است. در طول چهارسال و چهار ماه گذشته هیچ دانشجویی در دانشگاه علامه به دلایل حضور در این کرسی‌های عقاید سیاسی به کمیته انضباطی احضار نشده است. بنابراین ما این فضا را تجربه کردیم که تجربه کوچک و محدودی است، اما اگر بگویید فضای دانشگاه علامه فضای آزاداندیشی است، من خودم می‌گویم نه اینجور نیست، چون هنوز بسیاری از مباحث وجود دارد که طرح مسائل آزادانه در آن‌جا ممکن است با حاشیه روبه‌رو شود که ما را از کار اصلی‌مان که آموزش و پژوهش است، منحرف کند.

• منظورتان از حواشی چیست؟ ممکن است برای دانشجویان مشکل به وجود آید؟

برای دانشجویان، برای استادان و برای کل دانشگاه در فضای رسانه‌ای. در فضای دستگاه‌های نظارتی هزار جور مشکل ممکن است به وجود آید که در واقع دانشگاه را به حاشیه می‌کشاند. دانشگاهی مثل علامه هم که در حال ساختن و جلو رفتن است، حواشی دایما آن را از مسیر پیشرفت منحرف خواهد کرد.

• شما درباره موضوعاتی سخن گفتید و اشاره کردید هنوز به جایی نرسیدیم که باید برسیم.

نه. می‌خواهم بگویم هنوز نرسیدیم، اما در مسیر درستی هستیم.

• جای خالی چه موضوعاتی را الان احساس می‌کنید که باید باشند، ولی نیستند؟

دانشجویان ما الان نسبت به همه مسائل سوال دارند. درباره مباحث اعتقادی سوالات بنیادی دارند. اصلا در فضای کلام جدید که بخشی از آن در شبکه‌های اجتماعی به وجود می‌آید، ذهن دانشجوی ما پر از سوالات بنیادین راجع به اعتقادات است. نه این‌که دانشجویان ما بی‌اعتقادند، نه، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بسیار هم اعتقادات‌شان بالاست، ولی سوال دارند. درِ ذهن دانشجو را که نمی‌شود بست. راجع به همه چیز سوال دارند، راجع به فلسفه احکام سوال دارند. راجع به مبانی فکری، حقوقی و سیاسی و قانون اساسی سوال دارند. راجع به نظام سیاسی در ایران سوالات بسیاری جدی دارند. راجع به سیر تحولات انقلاب اسلامی سوالات بسیار جدی دارند. کجا باید این سوالات را مطرح کنند؛ اگر در دانشگاه مطرح نکنند، کجا؟ ما به فکر یک راه‌حل میانی برای آغاز کار یعنی یک شتاب‌دهنده اولیه هستیم. ما در فضای دانشگاهی طرحی را با همکاری هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی تهیه کردیم و احتمالا تا دو سه ماه آینده راه می‌افتد و آن ایده راه‌اندازی یک خانه آزاداندیشی است. ما در دانشگاه علامه به‌زودی یک خانه آزاداندیشی در ساختمانی که قبلا ساختمان مرکزی دانشگاه بود در خیابان کریمخان، راه‌اندازی خواهیم کرد تا فضایی برای دانشجویان و استادان ایجاد شود که خیلی حواشی نداشته باشد و فقط محل آزاداندیشی باشد.

• منظورتان از حواشی این است که از رسانه‌ها برای پوشش دعوت نکنید و فقط مخصوص دانشجویان و اساتید باشد؟

مهم، طرح سوال است. بعضی مواقع ممکن است یک بحث در حضور رسانه‌ها به گونه‌ای دیگر مطرح شود و در غیاب رسانه‌ها و یک جمع خصوصی‌تر به شکل دیگر. درواقع رسانه‌ها از یک طرف تضمین‌کننده آزادی‌اند و از طرف دیگر در مباحث اساسی ممکن است محدودکننده بیان کامل آزاد باشند؛ چون احتیاط آدم‌ها برای این‌که حواشی سخن‌شان در رسانه‌ها و در فضای عمومی جامعه چه باشد، ممکن است آنها را هم در پرسش‌ها و هم در پاسخ گفتن دچار محدودیت کند.

• البته رسانه‌ها نه در همه کشورها. شاید رسانه‌ها در ایران به این شکل باشد.

خیر، در همه کشورها به درجات مختلف همین است.

• چون یکی از اصول دموکراسی حضور رسانه‌ها در همه‌جا هست. ما نمی‌توانیم بگوییم آدم‌ها بیایند حرف بزنند و زمانی که رسانه نبود و پشت در بود، راحت حرف بزنند. خب پس این چه کرسی آزاداندیشی است؟ این‌که بگوییم هیچ گوشی نیست که شما را گوش بدهد، پس هرچه دل‌تان می‌خواهد بگویید. اگر این‌طوری است که می‌رویم در خانه‌های‌مان می‌نشینیم با اعضای خانواده و فامیل بحث می‌کنیم.

اولا در خانه شما استادان و دانشجویان نمی‌آیند. ویژگی خانه آزاداندیشی ما غیاب رسانه‌ها نخواهد بود. رسانه‌ها ممکن است باشند، اما رسانه‌ای که به هدف انعکاس یک بحث اعتقادی، فلسفی یا اجتماعی بنیادین می‌آید با رسانه‌ای که به هوای هیاهوی سیاسی می‌آید، فرق می‌کند.

• یعنی ممکن است برای بحث‌ها از رسانه‌هایی که تخصصی مسائل را پوشش می‌دهند، دعوت کنید.

طبیعتا. یک مقدار فضا، فضای کنترل‌شده‌تری است برای این‌که همه با احساس راحتی بیشتری درون آن قرار بگیرند و احساس امنیت بیشتری داشته باشند و احساس کنند جلوگیری‌هایی که ممکن است در رفتارهای فضای عمومی داشته باشند، این‌جا نیست و جلسات دایمی شکل بگیرد. ما بررسی کردیم که در فضای دانشگاهی علوم‌انسانی، مثل دانشگاه علامه که ۱۶-۱۵ هزار دانشجو دارد، معمولا دانشجویانی که دغدغه حاد مباحث این‌چنینی را دارند، چیزی بین ۵۰۰ هزار دانشجو هستند. این تعداد دانشجو فضایی می‌خواهند، چون ممکن است اگر فضا عمومی باشد، نوع بحث متفاوت بوده و حرف‌شان طور دیگری فهمیده شود؛ مثلا یک دانشجو که درباره مسائل اعتقادی سوال دارد، ممکن است بقیه فکر کنند اعتقاداتش دچار خدشه شده، درحالی که اگر بین دانشجویان دغدغه‌مند این سوال را مطرح کند ممکن است او را به چشم آدمی بنگرند که شک دارد، اما شک او مقدمه شناخت است.

> **مطالبه مقام معظم رهبری درباره کرسی‌های آزاداندیشی در حد مناسبی اتفاق نیفتاده است به چند دلیل: یکی احساس ناامنی نزد دانشجویان و استادانی است که می‌خواهند این کار را بکنند. آنها فکر می‌کنند اگر حرف بزنند برایشان حاشیه سیاسی درست می‌شود**

بنابراین در یک فضای متناسب و آزادتری با ناظرانی که از استادان خبره در آن حوزه باشند و نه فقط استادان دانشگاه بلکه خبرگان هر حوزه، می‌تواند این مباحث شکل بگیرد. اگر آن‌جا دیالوگی از هم‌نشینی اندیشه‌های متفاوت و متضاد شکل بگیرد، آنگاه همگان چه در دانشگاه خود ما و چه در حوزه آموزش عالی خواهند دید که آزاداندیشی فضای خطرناکی نیست، بلکه مصونیت‌بخش و اعتلادهنده عقلانیت است و ما اگر بتوانیم آن را انجام دهیم و حتی اگر بتوانیم بعد از انجام‌دادن آن، تایید نهادهای نمایندگی مقام معظم رهبری و نهادهای نظارتی را داشته باشیم، مبنی بر همینی است که ما می‌خواستیم، ما این فضا را نه فقط در دانشگاه علامه، بلکه در دیگر دانشگاه بازتر خواهیم کرد.

• و وقتی این خانه آزاداندیشی ایجاد شود، محدودیت موضوع، آن‌طور که شما گفتید، وجود نخواهد داشت. درست است؟

ان‌شاءالله وجود نخواهد داشت.

• بحث رسانه شد. خبرگزاری «عطنا» در دوره ریاست شما در دانشگاه علامه ایجاد شده است. به‌نظرتان نیاز است یک دانشگاه خبرگزاری داشته باشد و هزینه آن چقدر است؟

این پایگاه خبری تقریبا برای ما هزینه‌ای ندارد به جز هزینه دستمزد چند نفر از دانشجویان که آن‌جا کار می‌کنند. ما تنها دانشگاه دولتی هستیم که دانشکده ارتباطات داریم، محل این پایگاه خبری هم درون دانشکده ارتباطات است و بالاخره دانشجویان دانشکده ارتباطات ما باید جایی داشته باشند که دوره کارآموزی رابگذرانند.

• ولی به هر حال یک خبرگزاری در راستای حمایت از مدیریت دانشگاه است؛ یعنی آن جانقدی نسبت به مدیریت دانشگاه قطعا بیان نخواهد شد.

ممکن است نقد باشد و ممکن است هم نباشد. رسانه‌ای مربوط به دانشگاه است و امتیاز آن جا متعلق به دانشگاه است. اگر کسی بخواهد رسانه مستقلی داشته باشد، طبیعتا باید تقاضا دهد و خودش مسئولیت آن را برعهده گیرد. مسئولیت این رسانه‌ها با روابط‌عمومی دانشگاه است و طبیعی است که مثلا رئیس یک دانشکده آن‌جا نقد شدید نخواهد شد، چون اگر چنین مدیری با عملکرد منفی وجود داشته باشد، رئیس دانشگاه باید آن را تغییر دهد، نه این‌که در رسانه دانشگاه علیه آن بنویسید.

• وارد بحث دیگری می‌شویم. زمانی که در دولت دوازدهم بحث وزارت علوم مطرح شد، نام شما هم به‌عنوان یکی از گزینه‌ها بیان و فضایی هم علیه شما در شبکه‌های اجتماعی ایجاد شد که تا قبلش وجود نداشت. البته گروهی هم در موافقت با شما حرف زدند. ولی در یکی دو روز بسیاری از فعالان شبکه‌های اجتماعی در نقد عملکرد شما و با یک هشتگ مشخص مطلب نوشتند. پس از آن هم حذف یک گزارش درباره عملکرد شما در دانشگاه علامه از روی خروجی سایت یک روزنامه با حاشیه‌هایی روبه‌رو شد. گفته شد که شما با مدیر مسئول آن روزنامه تماس گرفتید و خواستید آن گزارش حذف شود، این‌طور بود؟

من هیچ‌وقت داوطلب بحث وزارت علوم نبودم و وقتی دولت سراغ گزینه‌های دیگر رفت، از صمیم قلب خوشحال شدم، چون تصدی وزارت علوم الان کار بسیار سختی است. من هم در برنامه و اهداف زندگی خودم تصدی کارهای اجرایی را اصلا قرار ندادم. این‌جا هم یک اتفاقاتی باعث شد مسئولیت برعهده بگیرم وگرنه اصلا در برنامه زندگی من تصدی مناصب اجرایی نبود و نیست. طبیعتا داوطلب این کارها نیستم که بخواهم به خاطر آنها کاری انجام دهم.

• یعنی آقای روحانی از شما برنامه نخواسته بودند؟

از من برنامه خواسته بودند. به‌هرحال یک سری نهادهای نظارتی با ما در ارتباط بودند، ولی این‌که من به دنبال آن باشم و افراد مختلف را ببینم تا به این منصب برسم، به‌هیچ‌وجه این‌طور نبود.

• ولی شما برنامه را به آقای رئیس جمهوری تحویل دادید.

من به مسئول دفتر رئیس‌جمهوری برنامه تحویل دادم، اما داوطلب نبودم که بخواهم تلاشی برای این ماجرا داشته باشم. بعد از آن هم ببینید کسانی که کارهای اجرایی می‌کنند، محدودیت‌هایی دارند که همه آن را نمی‌دانند. نتایج کار را می‌سنجند و طبیعتا نقدهایی به مسئولان اجرایی وجود دارد که حق هم هست و باید وجود داشته باشند که اگر این نقدها وجود نداشته باشد، آدم‌ها احساس بی‌نقصی و کمال می‌کنند و به سمت اصلاح خود پیش نمی‌روند. بنابراین نقدهایی که شد به جز آنهایی که یک مقدار حالت خصومت شخصی داشتند، برای من بسیار سازنده و پراستفاده بود.

• پس شما این نقدها را در این مدت دنبال کرده‌اید.

بله، ولی این‌که می‌گویید جریانی راه افتاده بود، من این را زیاد نمی‌پذیرم، چون حدود ۱۰ نفر از دانشجویان سابق بودند که مخالفت‌های خود را داشتند. مثلا یک هشتگی درست کردند که من در آن شرکت کردم و دیدم که فقط ۹ نفر عضو آن هستند. بعد ۱۰ نفر شدند که یکی از آنها دختر خود من بود.

• یعنی ۱۰ نفر فقط توییت می‌کردند؟ نه خیلی بیشتر بودند، خیلی‌ها درباره شما در آن زمان توییت می‌کردند. باهمان هشتگ.

الان هست و هنوز می‌شود مراجعه کرد. چند نفر در آن هشتگ هستند؟

• قابل‌شمارش نیست. افراد زیادی دراین‌باره توییت کردند.

چرا، شما تعداد توییت‌ها را نبینید، تعداد افراد را ببینید. تعدادشان بسیار اندک بود.

• شما که عضو توییتر نیستید.

خیر، عضو نیستم، ولی دخترم هست. من یادم هست وقتی دخترم اینها را به من نشان داد، پرواکنش‌ترین نکته‌ای که در آن‌جا گفته شد، نکته‌ای بود که دختر من گفته بود. یک آقایی گفته بود که آقای سلیمی شب پاشده و رفته در خانه آقای خرازی و گفته این چه کاری است و فلان. دختر من آن‌جا گفته بود که من آدم سیاسی نیستم، من دختر فلانی هستم و آن شبی که شما گفتید پدر من رفته در خانه آقای خرازی (مدیرمسئول روزنامه وقایع اتفاقیه)، ما اصلا در مسافرت بودیم.

• ولی خب تلفن که داشتید. می‌توانستید تلفن کنید که البته گویا این تماس تلفنی بین شما برقرار شده بود.

من تلفن نکردم، ولی تماس تلفنی بین ما بود؛ یکی از اعضای هیأت‌علمی در آن‌جا نزد ایشان بود، برای این‌که از کمک بنیاد آنها برای ساخت دانشکده الهیات استفاده کنیم، آن‌جا این مسأله مطرح شد و ایشان نکته‌ای را